

اخبار کوتاه

تولید نیمی از کالاهای منتخب صنعتی افزایش یافت

آمار سالانه منتشر شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت(صمت) نشان می‌دهد که سال قبل از ۲۸ کالای منتخب صنعتی، تولید ۱۶ کالا بین ۲۰.۱ تا ۱۰۱ درصد افزایش یافته است. در این مدت تولید یک کالاییش از ۵۰ درصد، سه کالاییش از ۲۰ (تا ۵۰ درصد)، چهار کالا ۱۰ تا ۲۰ درصد و هشت کالا کمتر از ۱۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته و تولید ۱۲ کالانیز کاهش یافته است.به گزارش ایسنا، براساس این آمار در سال ۱۴۰۰ تولید کامیون، کامیونت و کشنده بیشترین افزایش را داشته و با ۱۰۱.۲ درصد افزایش به ۱۳ هزار و ۲۱۳ دستگاه رسیده است. در این میان دو کالای دیگری که بیشترین افزایش تولید را داشتند شامل اتوبوس و مینی‌بوس و با ۴۴.۲ و ۳۲.۱ درصد افزایش است. روغن ساخته شده نباتی از دیگر کالاهایی است که تولید آن ۲۰ درصد افزایش داشته، به‌طوری که تولید روغن در سال ۱۴۰۰ با ۲۵.۳ درصد افزایش به بیش از دو میلیون تن رسیده است. تولید این محصول در سال ۱۳۹۹ معادل بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن بود. براساس نامه دبیر ستاد تنظیم بازار، کارخانه‌های تولیدی در سال قبل بایدنسبت به تولید ماهانه ۱۸۰ هزار تن روغن که ۱۲۰ هزار تن در بخش‌های خانوار، ۲۵ هزار تن در بخش صنف و ۳۵ هزار تن در بخش صنعت خواهد بود، اقدام می‌کردند. بر اساس این آمار تولید انواع لوازم خانگی با افزایش ۱۰۱ درصدی به بیش از پنج میلیون و ۲۶ هزار دستگاه رسیده است. از بین انواع لوازم خانگی تولیدشامین لباسشویی و یخچال و فریزر با ۲۰ و ۸.۳ درصد افزایش به ترتیب به بیش از یک میلیون و ۴۵۶ هزار و دو میلیون و ۲۶۵ هزار دستگاه رسیده است. تولید این دو محصول در سال ۱۳۹۹ حدود یک میلیون و ۲۱۳ هزار و دو میلیون و ۹۰ هزار دستگاه بود. تولید انواع تلویزیون هم در این مدت ۳.۶ درصد افزایش یافته و به حدود یک میلیون و ۳۰۵ هزار دستگاه رسیده است. در این میان تولید کولر آبی و الکتروموتور با کاهش ۱.۶ و ۱۸.۶ درصدی مواجه بوده و تولید آنها در سال قبل معادل بیش از یک میلیون و ۲۴۶ هزار و هشت میلیون و ۵۴۱ هزار دستگاه بوده است.

اواخر بهمن قیمت برخی از انواع لوازم خانگی ۱۲ تا ۸ درصد افزایش یافت که البته وزارت صمت تولیدکنندگان را ملزم به بازگرداندن این قیمت‌ها کرد. البته در همان زمان سخنگوی انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی افزایش ۳۹ درصدی حقوق و دستمزد، گران شدن قیمت جهانی مواد اولیه و افزایش نرخ ارز که ۶ برابر نسبت به سال ۱۳۹۷ شده را از دلایل افزایش قیمت عنوان کرد. گفتنی است که سرپرست‌معاونت امور بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت(صمت) هدف این وزارتخانه را تولید ۱۱.۶ میلیون دستگاه لوازم خانگی در سال عنوان کرده بود، اما گفته بود که تقاضا در این بازار حدود ۱۲.۵ میلیون دستگاه و بخش اعظم آن در بخش لوازم خانگی کوچک است. از جمله مهم‌ترین کالاهای دیگری که تولید آنها افزایش داشته نیز می‌توان به کمپاین، انواع کاغذ، تراکتور، پتروشیمی و روغن موتور به ترتیب با ۱۰.۳، ۵.۸، ۲۰.۱ و ۳.۴ درصد افزایش اشاره کرد. از بیسن ۲۸ کالای منتخب صنعتی تولید ۱۲ کالا کاهش داشته که بیشترین کاهش مربوط به الیاف اکریلیک با ۱۶ درصد، سموم دفع آفات نباتی با ۲۹.۱ و پودر شوینده با ۱۹.۳ درصد کاهش بوده است. کمترین کاهش تولید نیز مربوط به وانت با ۱.۵ درصد بوده است. انواع سواری، لاستیک خودرو، سموم دفع آفات نباتی و انواع کشش نیز دیگر کالاهایی است که تولیدشان در این مدت کاهش یافته است.

۳.۵ میلیون نفر واجد شرایط طرح نهضت ملی مسکن شدند

معاون مسکن وزیر راه و شهرسازی با اعلام «پنج میلیون و ۴۱۸ هزار نفر متقاضی طرح نهضت ملی مسکن نام‌نویسی کرده‌اند که تا امروز حدود ۶۵ درصد آنها شرایط اولیه را دارند»، گفت: «واحدهای درحال ساخت تا پایان تابستان امسال به دو میلیون واحد خواهد رسید.» به گزارش تسنیم، محمودزاده در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با بیان اینکه، عملیات اجرایی ۴۴۰ هزار واحد طرح نهضت ملی مسکن در ۶ ماه گذشته آغاز شده است»، افزود: «در مجموع حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد در دست اجرا داریم که ازجمله آنها ساخت ۵۲۶ هزار واحد شهری و ۱۵۸ هزار واحد روستایی است و ۱۴۷ هزار واحد ران نیز مردم با دریافت تسهیلات می‌سازند.» وی با اعلام اینکه «تعداد واحدهای درحال ساخت تا پایان تابستان امسال به دو میلیون واحد خواهد رسید»، اضافه کرد: «دست کم ۵۰ درصد هزینه تمام‌شده مسکن‌های نهضت ملی از تسهیلات بانکی‌ای تأمین خواهد شد که در چهار مرحله فونداسیون، اسکلت، سفت‌کاری و نازک‌کاری و اریز می‌شود.» معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: «تقاضیان هم‌چا از ۴۰ میلیون آورده اولیه زمان نام‌نویسی، الباقی سهم خود را طی ۴ مرحله، بعد آغاز، فونداسیون، سفت‌کاری و نازک‌کاری پرداخت می‌کنند.» وی بیان کرد: «در بیشتر شهرهای کشور یعنی شهرهای زیر یک هزار نفر جمعیت، پلاک‌های یک طبقه یا دوطبقه درحال ساخت است، لذا قیمت تمام‌شده و سرعت ساخت با بلندمرتبه‌سازی در شهرهای بزرگ کاملاً متفاوت است.» محمودزاده میانگین متراز واحدهای درحال ساخت شهرهای بزرگ و کوچک را به ترتیب تا ۷۵ و ۱۰۰ متر اعلام کرد و گفت: «آخرین عددی که آذر سال گذشته برای ساخت یک مترمربع مسکن در طرح نهضت ملی اعلام کردیم چهار میلیون و ۷۵۰ هزار تومان بود و همه واحدهایی که در ماه‌های آینده تحویل متقاضیان داده می‌شود در همین حدود است.» معاون وزیر راه و شهرسازی با یادآوری اینکه در شهرها ۴۰ درصد و در کلانشهرها ۶۰ درصد قیمت مسکن، بهای زمین است، خاطرنشان کرد: «جداز اینکه براساس قانون قیمت زمین حذف شده، در حوزه خدمات، مصالح ساختمانی و تسهیلات نیز با هدف کاهش هزینه‌های تمام‌شده قیمت مسکن اقداماتی انجام شده است.» محمودزاده در ادامه گفت: «۳۰ درصد تخفیف برای صدور پروانه دنظر گرفته‌ایم، یعنی اگر شهرداری پولی برای صدور پروانه واحدهای مسکونی حمایتی می‌گیرد ۳۰ درصد را دولت به شهرداری پرداخت می‌کند و همچنین مالیات هر واحد مسکونی که به‌طور میانگین بیش از ۴۰ میلیون تومان است به یک میلیون تومان کاهش یافته است.»

مسعود زین‌العابدین

پژوهشگر

این روزها که انتقاداتی را نسبت به طرح موسوم به «مردمی سازی یارانه‌ها» مطرح کردیم، موجی از تذکره‌های دلسوزانه از سوی دوستان همراه و هم‌مرام مطرح شد. سعی می‌کنم بنویسم ما دقیقاً با چه چیزی مخالفیم و با چه چیزی مخالف نیستیم. دولت تصمیم خودش را گرفته است، تمام ارکان حاکمیت نیز هم‌راستای با این تصمیم مشغول تمهید مقدمات هستند. طبیعی است که این نوشتن‌ها نیز تأثیری در تغییر تصمیم دولت ندارد اما چرا باید همچنان نوشت و گفت‌وگو کرد؟ تأثیر این گفت‌وگوها چیست؟ مگر نه این است که دولت‌ها هر روز ده‌ها تصمیم مشابه می‌گیرند و اعمال می‌کنند و صدای خیلی از ما در بسیاری از این تصمیم‌ها در نمی‌آید؟ خب چرا اینجا اینقدر ایستادگی می‌کنیم و استدلال می‌کنیم و طعن و کنایه دوستان مان را به جان می‌خریم؟ پاسخ مشخص است. باید نوشت و گفت‌وگو کرد تا دقیقاً بدانیم چه تصمیمی گرفته‌ایم و پس از مشخص شدن نتایج این ارزیابی کنیم که آیا تصمیم ما به هدف اصابت کرد یا نه. این همان کاری است که موقع شروع ارز ترجیحی و قانون هدفمندسازی یارانه‌ها انجام ندادیم. آیا مبارزه با قاچاق بد است؟ قطعاً خیر. آیا اینکه کشورهای همسایه از یارانه ما استفاده کنند، خوب است؟ خیر. آیا اینکه رانت‌خواران از ارز ترجیحی سودهای کلان به دست آورند خوب است؟ خیر.

پس حرف ما دقیقاً چیست؟

کل سخن ما نقد یک اندیشه است. اندیشه‌ای که در پس این تصمیم‌ها خوابیده است و حکمرانی ما را هدایت می‌کند. مقابله با یک رویه است که به دنبال کوچک کردن دولت است، کوچک کردن نه به معنی کاهش هزینه‌ها و کارمندان دولت، بلکه «ایده دولت حداقلی». ایده دولت حداقلی، ایده خطرناکی است که بطبی به دولت سیزدهم ندارد، این ایده سال‌هاست در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری کشور حداقل از دولت هاشمی به این سو وجود داشته و متناسب با شعار و گفتمان هر دولتی، خود را بازسازی می‌کند. در دولت روحانی در قالب مزخرف نامیدن مسکن مهر ظهور می‌کند و با افتخار فریاد می‌زند ما هیچ مسکنی نساختیم و همه چیز را به مکانیسم بازار سپردیم و در دولت رئیسی با شعار عدالت سر از کالاهای اساسی در می‌آورد. جاهایی هم خودش را پشت تصمیم‌های دیگری پنهان می‌کند. در ایده طرح تحول سلامت در دولت روحانی، رونب ایده دولت حداکثری بود، دولت ۹۰ درصد هزینه‌های درمان را برعهده گرفت و در مسیر عمل به قانون اساسی گام برداشته شد، اما در لایه زیرین، ایده دولت حداقلی اجرا شد و با یک تعارض منافع مستتر، پول‌پاشی به جامعه پزشکی کشور انجام شد.

ایده دولت حداقلی چه می‌گوید؟

این ایده به دنبال کاهش نقش دولت در همه عرصه‌هاست. برخی لیبرال قائل به دولت رفاه هستند اما ایده دولت حداقلی همین میزان از مسئولیت‌پذیری برای دولت در تأمین اسباب رفاه را نیز نمی‌پذیرد. در ایده دولت حداقلی، یک خصوصی‌سازی حداکثری رخ می‌دهد که حتی آموزش نیز به مثابه کالا خرید و فروش می‌شود. رشد مدارس غیرانتفاعی، ایده خرید خدمات آموزشی، تعطیلی دانشگاه‌ها فرهنگیان و جذب (خرید) دانشجویان سایر دانشگاه‌ها به‌عنوان معلم، بی‌کیفیت و بی‌اعتبار کردن آموزش و پرورش رسمی و... نمودهایی از این فکر در تعلیم و تربیت است. تأمین مسکن که طبق اصول ۳ و ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی جزء وظایف اصلی حاکمیت است، در ایده دولت حداقلی هیچ جایگاهی ندارد. در دولت حداقلی، همه چیز کالا محسوب می‌شود و در مکانیسم بازار تعیین تکلیف می‌شود.

اقتصاد

دقیقا مراد ما چیست؟

مخاطرات حرکت به سمت دولت حداقلی



اما چرا طرح موسوم به «مردمی سازی یارانه‌ها» را در عین حسن نیت دولت در اجرای آن، قطعه‌ای دیگر از تحقق پازل دولت حداقلی می‌دانیم؟ یک. چرا طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها درنهایت همان تئوری اقتصاد آزاد و آزادسازی قیمت‌ها را نتیجه خواهد داد؟

برای پاسخ به این پرسش، اجازه بدهید دو تجربه تاریخی را بررسی کنیم؛ یکی ارز ترجیحی موسوم به ارز جهانیگری و دیگری قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در دولت نهم و دهم. ارز ترجیحی از آنجایی آغاز شد که قیمت دلار شروع به صعود کرد و به ۶ هزار تومان رسید و قصد نداشت در این اعداد باقی بماند. دولت روحانی تصمیم گرفت برای تأمین کالاهای اساسی، دلار را به قیمت ۴۲۰۰ تومان دراختیار واردکنندگان قرار بدهد تا فارغ از قیمت ارز در بازار آزاد، کالاها را تأمین کنند. فارغ از اینکه دولت اشتباه بزرگی انجام داد و حتی برای کالاهای لوکس هم این ارز را تخصیص داد و بعد این رویه را اصلاح کرد، مشکل اصلی اینجا بود که ارز ترجیحی روی ۴۲۰۰ تومان ایستاد ولی قیمت ارز در بازار آزاد روی ۶ هزار تومان متوقف نشد. هر روز مابه‌التفاوت قیمت ارز ترجیحی با بازار آزاد افزایش پیدا کرد و دره‌ای بزرگ برای سودجویی از مابه‌التفاوت ارز آزاد و دولتی ایجاد شد.

در قانون هدفمندی یارانه‌ها چه اتفاقی افتاد؟ دولت قیمت برخی کالاها را افزایش داد و در روزگار دلار هزار تومانی به هر ایرانی ۴۵ هزار تومان (بخوانید ۴۵ دلار) یارانه داد. سال‌هایی گذشت و امروز ۴۵ دلار آن روزها با رسیدن دلار به ۳۰ هزار تومان فقط کمی بیشتر از یک دلار قدرت خرید دارد.

چرا طرح موسوم به «مردمی‌سازی یارانه‌ها» نیز چنین سرنوشت مشابهی خواهد داشت؟ چون همین امروز قیمت ارز در سامانه نیما که برای واردات استفاده می‌شود ۲۵ هزار تومان است، درحالی که ارز در بازار آزاد با تفاوت پنج‌هزار تومانی، ۳۰ هزار تومان دادوستد می‌شود. درست است که با افزایش قیمت ارز، قیمت ارز نیمایی مثل ارز ۴۲۰۰ تومانی ثابت نخواهد ماند ولی در کشوری که متاثر از تحریم است و بخش قابل توجهی از منابع ارزی‌اش در بانک‌های خارجی بلوکه‌شده است، مساوی شدن قیمت ارز در بازار آزاد و سامانه نیما تقریباً ناممکن است. دولت برای جلوگیری از واردشدن فشار میشتی به مردم در حالتی ناگزیر است یا با قیمت دلار بازی کند و ارز ترجیحی (این بار در شکل نیمایی) دراختیار واردات قرار دهد تا قیمت تمام‌شده را کاهش دهد. (مشابه همان کاری که جهانگیری کرد) یا با فروش ارز به همین قیمت‌های بالا و جبران مابه‌التفاوت، کالاهای اساسی را به دست مردم برساند. فرض دوم مستلزم آن است که یارانه‌های ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی را به‌صورت مستمر بنابه افزایش قیمت ارز افزایش دهد. آیا دولت چنین توانی دارد؟ آیا تئوری‌پردازان اقتصادی دولت که معتقدند پرداخت‌هایی از این قبیل نقدینگی را افزایش می‌دهد و تورم را می‌شود، به چنین افزایشی تن خواهند داد؟ آیا با توجه به افزایش روزافزون قیمت موادغذایی در دنیا و تورم تحمیلی از این سو، دولت خواهد پذیرفت که متناسب با افزایش قیمت‌های جهانی و افزایش قیمت ارز، این یارانه را (چه به‌صورت ریالی باشد و چه به صورت کالایی باشد) افزایش دهد؟ یا قرار است این مردمی‌سازی هم به عاقبت یارانه ۴۵ دلاری دچار شود که ارزشش پس از چند سال به حدود یک دلار کاهش یابد؟ امروز یکی از استدلال‌های مرکزی طرحان طرح این است که تورم در کالاهایی که ارز ترجیحی گرفته‌اند، بیشتر از کالاهایی بوده است که ارز ترجیحی نداشتند. نتیجه منطقی این استدلال این است که جامعه انتظار دارد قیمت‌ها بالا نرود. همین الان هم حداکثر قیمت برای کالاهای اساسی تعیین شده است؟ آیا دولت شجاعانه این قیمت‌ها را با افزایش تورم و قیمت‌های جهانی افزایش خواهد داد؟ یا برای پاسخگویی به افکار عمومی تلاش



اولویت دارترین بخش جراحی اقتصادی ما بود؟ اینجاست که این شائبه ایجاد می‌شود که این طرح بیشتر از آنکه به دنبال عدالت باشد (که هست) به دنبال جبران کسری بودجه است.

تاکنون هیچ آمار قابل اتکایی از میزان قاچاق در کشور ارائه نشده است. این مساله شاید مهم‌ترین مشکل و ایراد ما باشد. وقتی آماری از قاچاق نداریم یعنی آماری از تولید و بازار داخل هم نداریم. آمار قاچاق که هیچ‌وقت به‌صورت قطعی قابل محاسبه نیست اما آمار تولید و مصرف داخل را می‌توان با سامانه‌ها و بسترهای الکترونیکی به دست آورد و محصول را از زمین کشاورزی تا مصرف‌کننده نهایی رهگیری کرد. مگر ما در کشور چند صادرکننده ماکارونی داریم که نمی‌توانیم به میزان صادراتی که انجام می‌دهد، قیمت آرد استفاده‌شده برای محصولات صادراتی‌اش را به قیمت منطقی تری محاسبه کنیم تا هم بازار صادرات را بسن نرود و هم به کشورهای هدف صادرات یارانه آرد نپردازیم؟ وقتی با استفاده از بسترهای الکترونیکی و هوش مصنوعی می‌توانیم در نانویی‌ها کارت بکشیم و یارانه نان خریداری‌شده را بدون پرداخت پول توسط مشتری به نانوایم بپردازیم، آیا نمی‌توانیم با همین بسترها تا حد زیادی با قاچاق مقابله کنیم؟ آیا آزادسازی قیمت‌ها تنها راه مقابله با قاچاق است؟

چهار. این استدلال را زیاد شنیده‌اید. کسری بودجه دولت و نقدینگی عامل تورم و گرانی است؛ چه اینکه باید این دو عامل را کنترل کرد. آیا قاچاق کالاهای اساسی، پرداخت یارانه به کالاهای اساسی و واریز یارانه بزرگ‌ترین عوامل ایجاد تورم است که باید در اولین جراحی آنها را درمان کرد؟ آیا سهم این عوامل، از خلق نقدینگی بانک‌ها که روزانه میلیاردها تومان چاپ پول انجام می‌دهند، بیشتر است؟ سوداگری بانک‌های خصوصی چطور؟ آیا نقش ۱۵۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کسری بودجه کمتر از یارانه کالاهای اساسی است؟ چرا می‌گوییم اصلاح یارانه کالاهای اساسی در اولویت بعدی است؟ چون اهمیت کالاهای اساسی بیشتر از هر چیز دیگری است. چون کالای اساسی شوخی بردار نیست. چون وضعیت اقتصادی مردم به نحوی نیست که بتوان بان آن‌ها بازی کرد. چون کالای اساسی یعنی همه چیز مردم. هیچ دولتی نمی‌تواند در کالای اساسی تغییر ایجاد کند و سایر شئون زندگی را تحت تأثیر قرار ندهد.

مبلغ پیش‌بینی‌شده برای تأمین کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۱ چیزی حدود ۱۸ میلیارد دلار بوده است. اگر مابه‌التفاوت از ۲۵ هزار تومان (نیمایی) را با از ۴۲۰۰ تومانی محاسبه کنیم می‌شود، ۲۰۸۰۰ تومان. اگر از ۱۸ میلیارد دلار ارز موردنیاز، یک‌سوم (یعنی ۶ میلیارد دلار) نصیب سودجویان شود و هیچ راه مقابله دیگری با رانت ارز ترجیحی نیز وجود نداشته باشد، ۱۲۵ هزار میلیارد تومان مبلغ کل رانت ایجاد شده است. این درحالی است که ما در کشور فقط ۱۵۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم. این نکته را هم اضافه کنید که حتی اگر بپذیریم یک‌سوم ارز ترجیحی دچار رانت می‌شود، آیا مسا هیچ راه دیگری برای مقابله با این رانت نداریم؟ چرا سامانه جامع تجارت که می‌تواند کالا را از مبدا تا مقصد رهگیری کند، تکمیل و اجرایی نمی‌شود؟ مگر ما در کشور چند تولیدکننده ماکارونی داریم که نمی‌توانیم میزان تولید داخل و صادرات آنها را تفکیک کرده، قیمت آرد استفاده‌شده در محصولات صادراتی را به نحوی محاسبه کرد که هم به صادرات آسیب نرسد و هم کشورهای همسایه یارانه‌بگیر ما نشوند!

در کنار فرار مالیاتی ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی، درباره خلق نقدینگی توسط بانک‌های خصوصی چطور؟ آیا خلق پول بانک‌ها که با ضریب فزاینده حدود هشت کشور را دچار تالطم‌های تورمی می‌کند، کمتر از یارانه‌ها به اقتصاد آسیب می‌زند؟